

Explanation of electoral Competition Tribe-based in the Framework of the Model of Core-Periphery Case Study: Eighth, Ninth and Tenth Elections in the Mamasani Constituency

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Kaviyan Rad M.* *PhD*,
Hosseini MH.¹ *MA*,
Sadeghi V.² *MA*

How to cite this article

Kaviyan Rad M, Hosseini MH, Sadeghi V. Explanation of electoral Competition Tribe-based in the Framework of the Model of Core-Periphery Case Study: Eighth, Ninth and Tenth Elections in the Mamasani Constituency. Geographical Researches Quarterly Journal. 2018;33(3):218-236.

*Department of Political Geography at university of kharazmi, Tehran, Iran

¹Department of International Relations at Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

²Department of political geography at Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

*Correspondence

Address: NO. 43, Shahid Mofateh Street, Tehran, Iran. Postal Code: 1491115719

Phone: -

Fax: -

kaviani75@yahoo.com

Article History

Received: May 06, 2018

Accepted: August 05, 2018

ePublished: December 09, 2018

ABSTRACT

Introduction and Background The model of core-periphery is evidence of unequal relationships between societies, regions, classes, and different social strata that are very effective in shaping the behavior of actors. This issue is noticeable in areas such as Mamasani County that social structure has a tribal nature. So that in each tribe, some of the populous ancestry and villages are able to influence other geographic areas around them in social and political spheres. In the Mamasani constituency, the electoral behavior of residents in the context of the geographical environment, spatial and kinship feelings, due to the role of the major geographical cores (wheels) and peripheral affiliates (blacks), can trigger emotional behavior in political choices. In this regard, the role creating a model of the core of the periphery in the political sphere, such as the parliamentary elections, affects the participatory model of the inhabitants of this city, and the field of the formation and construction of the Pratori Society

Aims The present study is based on the assumption that there is a significant relationship between the center of periphery and tribalism, and this structure is important through the geographical area and the division of the areas under the control of the clans into the most important and important part of the old times, and their division of labor, especially during the election in the current era, while creating a labor society, it leads to an increase in tribal tendencies in social and political arenas.

Methodology The research method has a descriptive-analytical nature and the required data are collected through library, documentary and field studies (observation).

Conclusion The findings of the research showed that some of the urban regions and high-impact villages (as centers) effect the patterns of behavior of residents of other peripheral regions and the ability to shape emotional behavior in the pratori community, finally, tribalism in the social and political arenas.

Keywords Core-Periphery Model; Pratori Society; Tribalism; Elections and Mamasani Constituency

CITATION LINKS

[Ahmadipour & Karimi; 2013] Pathology of election in Iran, case study: Islamic consulative ...; [Bashirie; 2001] Democracy lessons for ...; [Bashirie; 2011] The history of Marxist ...; [Dadashpour, et al.; 2011] Review and analysis of development trends and spatial ...; [Dehghan Naserabadi; 2006] The story and secrets of the Sandogh ...; [Delavari; 2008] The study of the roots of violence and political ...; [Deputy of Planning and Employment of Fars Province; 2014] Statistical Yearbook of Mamassani County ...; [Eghtedari; 1996] Khouzestan and Kohgiloie and ...; [Estes; 2006] Where the votes are: The electoral geography of the coming ...; [Governorate of Mamssani; 2007] Report of the outcome of the eighth islamic parliamentary election ...; [Governorate of Mamssani; 2011] Report of the outcome of the ninth islamic parliamentary election ...; [Governorate of Mamssani; 2015, 2016] Report of the outcome of the eighth islamic parliamentary election ...; [Hafeznia & Kaviani Rad; 2014] Philosophy of political ...; [Heywood; 2016] Politics ...; [Huntington; 1991] The political system in the societies ...; [Jaaafarinejad, et al.; 2011] Analysis of the voting ...; [Jones; 2007] An introduction to political ...; [Kaviani Rad; 2013] Election geography, with emphasis on presidential ...; [Kaviani Rad & Gharahbeygi; 2017] Election geography, foundations, concepts ...; [Mirzaeitabar, et al.; 2015] Explaining the relationship between political ...; [Niakoui; 2014] Sociology of political disputes ...; [Patti; 2006] Electoral geography for ...; [Political-Security Birth Certificate; 2011] Governorate of Nourabad Mamassani ...; [Rahnnavard & Mahdavarad; 2010] Management of ...; [Rumina & Sadeghi; 2015] Investigating the effect of tribalism ...; [Saedi; 2011] The principle of rural ...; [Statistical Center of Iran; 2006] Statistical Yearbook, National and provincial ...; [Statistical Center of Iran; 2011] Statistical Yearbook of Fars Province, Population statistics ...; [Veisi; 2016] Concepts and theories of political ...

تبیین رقابت انتخاباتی طایفه محور در چارچوب مدل مرکز - پیرامون نمونه پژوهی: انتخابات ادوار هشتم، نهم و دهم در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۵/۱۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۱۶

DOI: 10.29252/geores.33.3.218

چکیده

مقدمه: مدل مرکز - پیرامون گواه بر روابط نابرابر میان جوامع، مناطق، طبقات و اقشار مختلف اجتماعی است که در شکل - دهی به رفتار کنشگران مؤثر است. این مسئله در نواحی مانند شهرستان ممسنی که ساختار اجتماعی آن ماهیت و نمودی طایفه - ای دارد چشمگیر است، به طوری که در هر طایفه، برخی از تیره‌ها و روستاهای پُرجمعیت توان اثرگذاری بر دیگر فضاهای جغرافیایی پیرامون خود در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی را دارند. در این چارچوب، نواحی که در کانون هر یک از قلمرو - طوایف قرار داشتند به مثابه «چرخه‌ی» عمل می‌کردند که سایر نواحی جغرافیایی (پیرامونی) متعلق به طایفه خود را بسان «پره - هایی» که وابستگی هویتی و تعلق زادگاهی - تباری به مرکز داشتند را هدایت می‌کردند.

اهداف: این پژوهش در پی تبیین رقابت انتخاباتی طایفه محور در چارچوب مدل مرکز - پیرامون است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر که ماهیتی کاربردی دارد به بررسی و پردازش رابطه سه متغیر مدل مرکز - پیرامون به مثابه متغیر مستقل، جامعه پراتوری، متغیر میانگر و طایفه‌گرایی به عنوان متغیر وابسته پرداخته است. برای ارزیابی فرضیه از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی (مشاهده) گردآوری شده‌اند. نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان داد که برخی از نواحی شهری و روستاهای متنفذ (به عنوان مرکز)، الگوی رفتاری ساکنان دیگر نواحی پیرامونی را، تحت الشعاع قرار می‌دهند و توان جهت‌دهی به رفتار انتخاباتی هیجانی و احساسی در چارچوب جامعه پراتوری و نهایتاً طایفه‌گرایی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را دارند.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، مدل مرکز - پیرامون، جامعه پراتوری و حوزه انتخابیه ممسنی و رستم

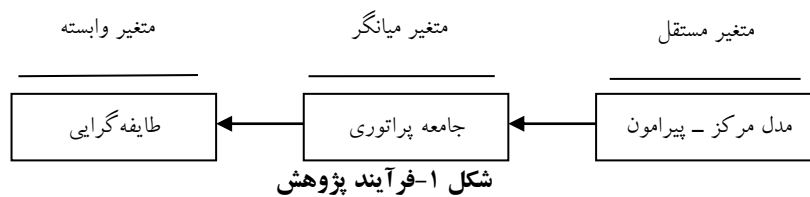
مقدمه

مدل مرکز - پیرامون که در وصف مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به کار می‌رود، در درون کشورهای در حال توسعه نیز بر روابط میان نواحی مختلف قابل تسری است. بر بنیاد داده‌ها و یافته‌ها، کشور ایران درگیر توسعه نامتوازن و نابرابری منطقه‌ای است. وضعیتی که تبیین آن در مقیاس ملی و فرو ملی در قالب مدل مرکز - پیرامون ممکن است. در این میان، مدل یادشده برای تبیین نواحی پیرامونی نظیر شهرستان ممسنی به کاررفته شده است. داده‌ها و دیده‌ها گویای آن هستند که با وجود پیشرفت در برخی مؤلفه‌های مدرن، این شهرستان بسیاری از عناصر پیوند دار با رفتار سنتی خود را حفظ کرده است. بدین معنا که علایق سنتی و طایفه‌ای در فضای جغرافیایی ممسنی ریشه در نگرش‌هایی دارد که باشندگان

ممسنی از گذشته‌های دور (پراکسیس^۱) به ارث برده و در قالب ساختار مرکز - پیرامون به روابط اجتماعی کنونی ساکنان این محدوده شکل داده است. در این چارچوب، نواحی که در کانون هر یک از قلمرو طوایف قرار داشتند به مثابه «چرخ» عمل می‌کردند که سایر نواحی جغرافیایی (پیرامونی) متعلق به طایفه خود را بسان «پره‌هایی» که وابستگی هویتی و تعلق زادگاهی - تباری به مرکز داشتند را هدایت می‌کردند. این ساختار از زمان فتح شولستان^۲ تا سقوط خوانین در زمان اجرای اصلاحات ارضی ادامه داشت و در شرایط کنونی، رقابت ساکنان ممسنی با یکدیگر در شکل نوین (در عرصه انتخابات) باز ساخت شد، به طوری - که برخی از مراکز مهم سنتی طوایف در شکل نوین نیز کار آمده بوده و برخی از مناطق نیز به دلیل انزوای جغرافیایی، مهاجرت و کاهش جمعیت، ارزش و کارکرد خود را از دست داده‌اند. در واقع، مراکز (چرخ) هدایت‌کننده پیرامون (پره) در هنگامه‌های اجتماعی و سیاسی (نظیر انتخابات) تغییر کرده است. با توجه به روابط مرکز - پیرامون و نوع مشارکت رأی - دهندگان در انتخابات این پرسش مطرح می‌شود، چه رابطه‌ای میان مدل مرکز - پیرامون و طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر که ماهیتی کاربردی دارد به بررسی و پردازش رابطه سه متغیر مدل مرکز - پیرامون به مثابه متغیر مستقل، جامعه پراتوری، متغیر میانگر و طایفه‌گرایی به عنوان متغیر وابسته پرداخته است. برای ارزیابی فرضیه از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی (مشاهده) گردآوری شده‌اند.



چارچوب نظری پژوهش

مدل مرکز - پیرامون

اندیشمندان مختلفی جستار مرکز - پیرامون را مطرح کرده‌اند که معروف‌ترین آن‌ها نظریه امانوئل والرشتاین^۳ که در دهه ۱۹۷۰ آن را مطرح کرد. پیتر تیلور، این نظریه را در دهه ۸۰ میلادی وارد جغرافیای سیاسی کرد و با الگوگیری از آن با روش‌شناسی جغرافیایی، تحلیلی نو ارائه داد (Veisi, 2016). این مدل اساساً بر دیدگاه پربیش^۴ (۱۹۵۹) درباره توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم استوار است. بر بنیاد این مدل، دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارت است از مرکز^۵ (به عنوان کانون قدرت و سلطه) و پیرامون^۶ (به عنوان جزء وابسته به کانون مرکزی) (Saedi, 2011). در عین حال این مدل در بسیاری از منابع بانام جان فریدمن^۷ همراه است. به عقیده وی هر کشوری از یک یا چند بخش هسته‌ای و مناطق پیرامون تشکیل می‌شود که نواحی هسته‌ای از راه‌های اثر سلطه، اطلاعاتی، نوسازی، اثر روانی، اثر پیوند و اثر تولیدی، برتری خود را بر پیرامون اعمال می -

۱. کار انسان در تاریخ

۲. نام سابق شهرستان ممسنی

3 Immanuel Maurice Wallerstein

4 R. Prebisch

5 Core

6 Periphery

7 John Friedman

کند. در نتیجه ساختار فضایی کشور به شکل کاملاً آشکاری به دو بخش متمایز مرکز (به عنوان قدرت و سلطه) و پیرامون (به- عنوان جزء وابسته به مرکز) تقسیم می شود (Dadashpour, Alizadeh, & Madani, 2011). مدل مرکز - پیرامون به عنوان مدلی برای بررسی نحوه سازمان فضایی فعالیت انسانی مبتنی بر توزیع نامتعادل و نابرابر قدرت اقتصادی و اجتماعی در مقیاس های دیگر (ملی، ناحیه ای و محلی) نیز قابل بررسی است. در این باره و در تبیین روابط شهر و روستا، شهرهای بزرگ و مراکز تجمع فعالیت های اقتصادی (عمدتاً صنعتی و تجاری) به عنوان مرکز و حوزه های روستایی پیرامونی به عنوان حاشیه مطرح می شوند. این روابط نابرابر در بسیاری موارد، با اتخاذ رهنمودهای خاص اقتصادی - تجاری که به سود مرکز پایان می یابد، گسترش یافته، نهایتاً به مهاجرت و جاری شدن هر چه بیشتر سرمایه از حوزه های پیرامون به مرکز می انجامد (Saedi, 2011)

جامعه پراتوری

نظریه جامعه پراتوری^۱ ساموئل هانتینگتون^۲ در چارچوب رهیافت نهادگرایی قرار دارد (Delavari, 2008) هانتینگتون بر اساس دو معیار سطح نهادمندی و سطح مشارکت سیاسی، جوامع را به دودسته پراتوری و مدنی تقسیم می کند. از نظر هانتینگتون اگر سطح نهادمندی سیاسی نسبت به مشارکت سیاسی بالا باشد، این گونه جوامع، جوامع مدنی نامیده می شوند و اگر سطح نهادمندی سیاسی نسبت به مشارکت سیاسی پایین باشد، جوامع را پراتوری می گویند. در جوامع پراتوری، نیروهای اجتماعی مستقیم و با روش های خودشان در صحنه سیاسی نقش می آفرینند. در جوامع مدنی، نهادهای سیاسی به آن اندازه نیرومند هستند که بتوانند برای یک سامان سیاسی مشروع و یک اجتماع سیاسی کارآمد مبنایی را فراهم کنند. در جوامع پراتوری گروه ها بدون تربیت سیاسی و بدون اینکه از طریق نهادهای قدرتمند خواسته هایشان تعدیل شود، وارد عرصه سیاست می شوند (Huntington, 1991) و نیروهای اجتماعی بدون هیچ واسطه ای با یکدیگر روبه رو می شوند و نهادهای سیاسی و رهبران سیاسی حرفه ای به عنوان میانجی هایی مشروع برای تعدیل کشمکش بین گروه ها به رسمیت شناخته نمی شوند (Niakoui, 2014). در حالی که در جوامع مدنی، نهادهای قدرتمند، تربیت سیاسی را به عنوان بهای مشارکت سیاسی به افراد جامعه تحمیل می کنند (Huntington, 1991)

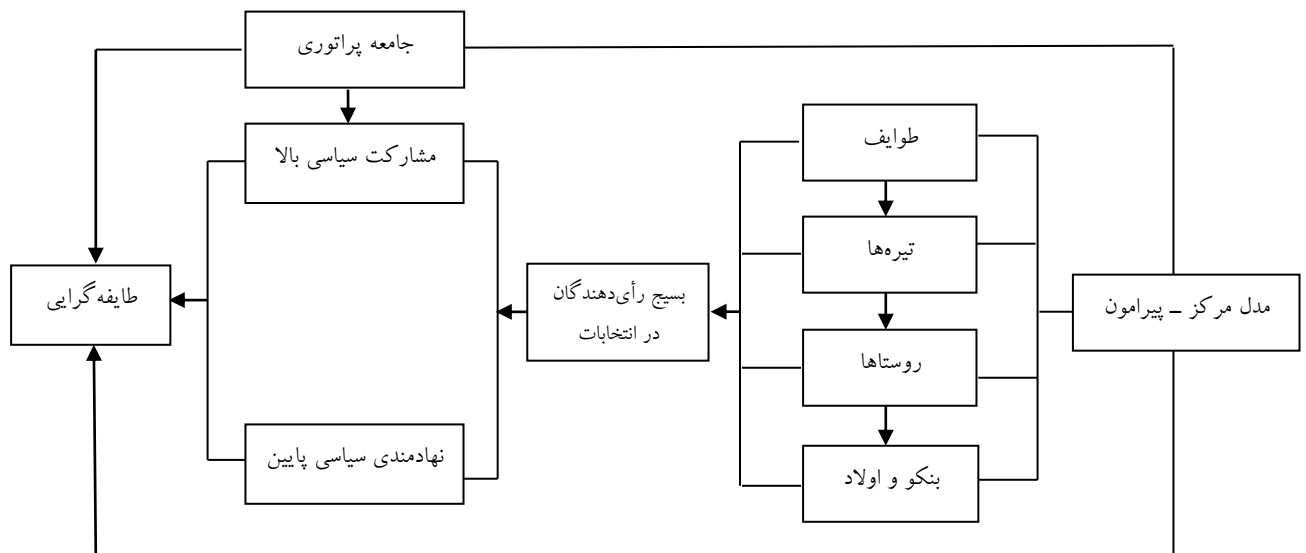
طایفه گرایی

طایفه^۳ واحد زیستی - فرهنگی متشکل از اجتماع انسانی به هم پیوسته در فضای جغرافیایی است که در آن افراد ادراک مشترکی نسبت به ویژگی ها و منافع یکدیگر دارند. در این باره، طایفه گرایی^۴ نوعی احساس و انگیزه درونی افراد ساکن در مکان و فضای جغرافیایی خاص است که ارزش های مرتبط با نحوه ادراک از محل زیست را بر ارزش های فراتر از مکان یا مرتبط با محل های دیگر ترجیح می دهند (Rumina & Sadeghi, 2015) و ناظر بر این است که ساکنان یک محدوده سکونتگاهی که در کنار هم یک کلیت منسجم و پیوسته را تشکیل می دهند، یک هویت جمعی و محلی دارند که بر بنیاد آن، عموماً مانند یکدیگر بر پایه ویژگی ها و شناسه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شان، به فرد و یا جریانی که با آنان احساس همانندی می کنند، رأی می دهند (Kaviani Rad & Gharahbeygi, 2017). بر این اساس، طایفه گرایی، نوعی گنش سیاسی مکان پایه است.

1 Praetor community
2 Samuel Huntington
3 Tribe
4 Tribalism

جغرافیای انتخابات

انتخابات^۱، روشن‌ترین فرصت رسمی برای تأثیرگذاری بر فرایند سیاسی (Heywood, 2016)، مؤثرترین مجرای عملی شدن دموکراسی (Rahnavard & Mahdavi-rad, 2010)، مهم‌ترین وسیله انعکاس افکار عمومی (Bashirie, 2001)، قوی‌ترین کنش سیاسی مدنی و تبلور عینی مشارکت مردم (Jaafarinejad, Babanasab, & Shahriar Rabiei, 2011) و شیوه دموکراتیک‌گزینش نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم‌سالار است (Kaviani Rad, 2013)، که در یک محدوده جغرافیایی مشخص و زمانی محدود و معین صورت می‌گیرد (Ahmadipour & Karimi, 2013). باین‌حال، نتیجه انتخابات به‌ندرت منعکس‌کننده دیدگاه خالص و منطقی رأی‌دهندگان است (Jones, 2007). انتخابات یکی از مسائل مطرح در جغرافیای سیاسی^۲ است که تحت عنوان جغرافیای انتخابات^۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد. جغرافیای انتخابات، به تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایند انتخاباتی (Patti, 2006) و مطالعه اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی می‌پردازد (Estes, 2006) به عبارتی، جغرافیای انتخابات گرایشی از جغرافیای سیاسی است که به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (Hafeznia & Kaviani Rad, 2014)



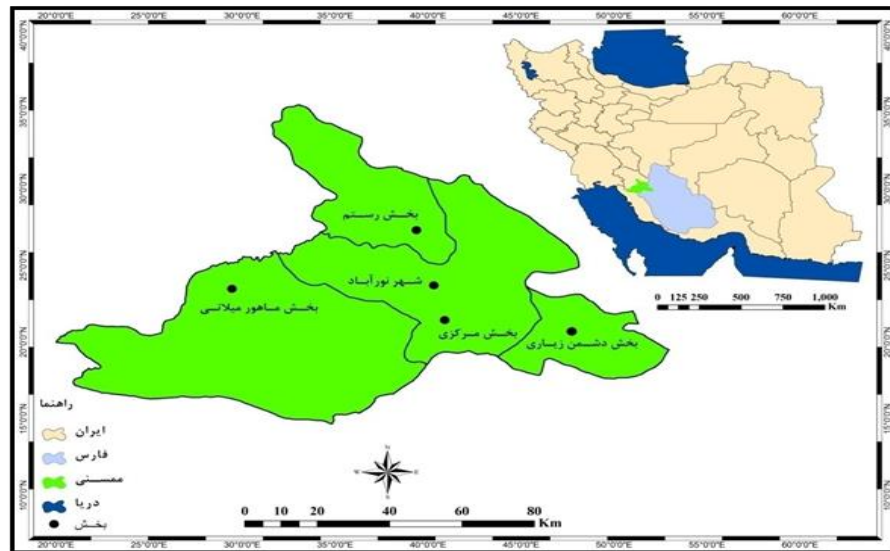
شکل ۲- الگوی نظری تحقیق

تبیین روابط بین مفاهیم تحقیق بر بنیاد الگوی نظری فوق‌بدین شرح است که مدل مرکز - پیرامون دربرگیرنده چهار بخش طوایف، تیره‌ها، روستاها و بنکو و اولاد است. این بخش‌ها با توجه به جایگاه اجتماعی، موقعیت فضایی - جغرافیایی، میزان جمعیت و روحیه سلحشوری، روابط سلسله‌مراتبی و عمودی با یکدیگر دارند. بدین‌گونه که در اشکال مرکز (چرخ؛ بسیج‌گر) و پیرامون (پره؛ بسیج‌شونده) نمایان می‌شوند. از این روی، بسیج اجتماعی و سیاسی توأم با هیجان رأی‌دهندگان در انتخابات، ساخت جامعه پراتوری را به همراه دارد که به‌صورت مشارکت سیاسی بالا و نهادمندی پایین جلوه‌گر می‌شود. در این شرایط رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان به عرق مکانی و زیستگاهی جهت می‌یابد که برآیند آن تضعیف عقلانیت راهبردی و تقویت طایفه‌گرایی در انتخابات است.

1 Election
2 Political Geography
3 Electoral Geography

محیط‌شناسی تحقیق

شهرستان ممسنی با یک حوزه انتخابیه^۱ و چهار بخش^۲ در شمال غربی استان فارس و غرب رشته کوه زاگرس قرار دارد که بیشتر باشندگان آن در دو قلمرو گویشی لُری و تُرکی قشقایی قرار دارند. این شهرستان با ۵/۴ درصد مساحت استان، ۱۶۲۲۵۱ نفر جمعیت دارد (Deputy of Planning and Employment of Fars Province, 2014)



شکل ۳- منطقه مورد مطالعه

مدل مرکز - پیرامون در جوامع ایلی و طایفه‌ای ممسنی به دلیل اهمیت فضاهای جغرافیایی مُتعلق به طوایف، صرفاً در چارچوب شاخص‌های اقتصادی خلاصه نمی‌شود، بلکه فضاها و مکان‌های مرکزی به دلیل وزن ژئوپلیتیک بالا و برخورداری از روحیه برخاسته از عرق مکانی و تباری، قادر هستند نواحی پیرامونی مُنتسب به طایفه خود را برای اهداف خویش بسیج کنند. درباره جامعه پراتوری و سطح مشارکت باید اشاره کرد، با نگرش به الگوی رأی هیجانی، احساسی و همراه با رویکردهای محلی و طایفه‌ای میزان درصد مشارکت در ادوار مختلف انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم بالاست. به همین دلیل رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان از نهادمندی لازم برخوردار نیست و ضمن تشدید این فضا توسط مناطق مرکز - پیرامون، رأی‌دهندگان هر قلمرو جغرافیایی به صورت توده‌ای به صندوق‌های رأی گسیل می‌شوند. پدیده و مسئله‌ای که زمینه برای تنش و کشمکش طایفه‌ای در انتخابات را فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهش

پراکسیس و جامعه‌شناختی الگوی مرکز- پیرامون

پراکسیس به معنای انجام دادن، تمرین کردن و استفاده عملی از امری یا چیزی است. این حوزه (پراکسیس) یا نیروهای تولید، حوزه حرکت هستند و در جامعه نقش هدایت امور را دارند (Bashirie, 2011). پراکسیس در ممسنی بستر پیشرفت و ایستادگی در مقابل رونها که حوزه مقاومت^۳ هستند، نمی‌شود بلکه مُحرک پیشبرد عُلقه‌های سنتی و طایفه‌گرایی است.

۱. ممسنی و رستم

۲. بخش مرکزی (۹۸۷۶۱ نفر جمعیت)، بخش رستم (۴۶۷۵۱ نفر جمعیت)، بخش دشمن‌زاری (۹۴۴۲ نفر جمعیت)، بخش ماهر میلانی (۷۲۹۷ نفر جمعیت) دارد

(Statistical Center of Iran, ۲۰۱۱)

۳. منظور از رونها و حوزه مقاومت، نهادها و ساختارهایی هستند که مانعی در مسیر توسعه سیاسی شهرستان ممسنی هستند. در پراکسیس مارکسیسم، زیربنا (نیروی اجتماعی) حوزه حرکت و رونها (دولت) حوزه مقاومت است، ولی در پراکسیس طایفه‌گرایی، زیربنا و رونها مکمل یکدیگرند. پراکسیس مارکسیسم، خوش‌بینانه

یافته‌های موجود نشان می‌دهد که ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ممسنی تا زمان سقوط خوانین پیچیده و متأثر از اصل طایفه‌گرایی در روابط درون طایفه‌ای بوده است. بر این اساس، کُنش باشندگان در تاریخ ممسنی (پراکسیس) محدود به فتح شولستان و تقسیم قلمرو و نواحی بر بنیاد جغرافیا نبوده بلکه روحیه برخاسته از جو طایفه‌ای در میان خوانین و توده ادامه یافته است. ایجاد اتحاد میان طوایف و نیروهای دولتی، بحران داخلی طوایف و توطئه علیه یکدیگر برای افزایش قدرت در شکل-گیری مرکزی جهت ساماندهی کنش‌های آفندی و پدافندی نواحی جغرافیایی پیرامونی از آن‌ها نقش قابل توجهی داشته است. در واقع، هر یک از خوانین ناحیه‌ای برای طراحی عملیات سیاسی و نظامی خود برگزیدند تا بتوانند هر چه سریع‌تر نیروهای خود برای حمله یا دفع خطرات را آماده کنند. در این باره می‌توان به مراکز و روستاهایی اشاره کرد که از منظر نظامی توانایی زیادی جهت آماده‌سازی نیروها و پشتیبانی پیرامون داشته‌اند. از جمله این مناطق عبارت‌اند از: ۱) مصیری یا روستاهای نوگک و رُح‌کون (جعفرآباد کنونی) مرکز عملیات نظامی امام قلی‌خان رستم؛ ۲) جیجان مرکز سابق طایفه جاوید؛ ۳) هرایجان مرکز طایفه دشمن‌زیاری و روستای مهمی نظیر کلاه سیاه؛ ۴) شهر نورآباد مرکز طایفه بکش و تیره‌های آن (Eghtedari, 1996) بنابراین، در واکاوی پیوست و گسست درون‌طایفه‌ای و برون‌طایفه‌ای می‌توان به عوامل هویتی و انگاره‌هایی اشاره کرد که در اذهان خوانین و توده تثبیت شده و آن‌ها بر بنیاد عرق تباری به طایفه سعی در حفظ یا گسترش قلمرو جغرافیایی خود داشته‌اند. در واقع، علایق طایفه‌ای و خویشاوندی که در اذهان خوانین و بزرگان وجود داشته، منجر به حفظ آرمان‌هایی مانند خلق یوتوپیا^۱ شده که بنیاد زندگی آنان را شکل داده است. به عبارتی، روحیات عشیره‌ای و سلحشوری «پدر» و تعصبات طایفه‌ای باشندگان قدیم ممسنی و القاء آن به «پسر» منجر به حفظ «خود» در برابر «دیگری» شده است. این فرایند که تا زمان اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ و خلع خوانین وجود داشت، نهادینگی لازم در ذهن توده را به وجود آورد. برخاسته از چنین وضعیتی باشندگان قدیم ممسنی علی‌رغم تضعیف نظام ارباب - رعیتی و کاهش قدرت خوانین همچنان علایق و وابستگی به زادگاه و زیستگاه طایفه خود را حفظ کرده است. از این رو، طایفه‌گرایی و بنیادگرایی به شکل سنتی و در چارچوب نمودهایی مانند جنگ بر سر قلمرو و سرحدات مرزی و پیوندهای نَسبی - خونی و روابط تیره میان طوایف وجود داشته^۲ و تعیین نواحی به‌عنوان مرکز فرماندهی از سوی خوانین و همراهی پیرامون در تشدید این مسئله نقش بنیادی ایفاء کرده است.

کارویژه مرکز- پیرامون پس از خلع خوانین

مدل مرکز - پیرامون در ممسنی گویای وجود مراکز مهم جغرافیایی و راهبردی در هر طایفه است که قادر هستند، فضاهای جغرافیایی پیرامونی (دیگر تیره‌ها یا روستاهای متعلق به یک طایفه) را با خود همراه کنند. به دیگر سخن، در طایفه X، تیره A نقش مهمی دارد و درون همین تیره نیز روستای B جایگاه ویژه‌ای دارد. بدین معنا که یک تیره یا روستا نسبت به مناطق زیردستی خود، نقش کانون^۳ را ایفاء می‌کند، اما نسبت به نواحی جغرافیایی فرادستی خود، نقش پیرامونی^۴ دارد.^۵ در این باره، هنگام فتح شولستان، مراکز مهم جغرافیایی طوایف تعیین و عدم دخالت و لشکرکشی نظامی به قلمرو یکدیگر توسط خوانین به رسمیت شناخته شد. بر این بنیاد، مناطقی که از نظر جغرافیایی در مرکز هر یک از طوایف قرار داشتند به‌مثابه «چَرخی» عمل

و فرجام آن حاکمیت پروتلاریا و نهایتاً جامعه بی‌طبقه است اما پراکسیدر جوامع سنتی و یا در حال گذار نظیر ممسنی، به دلیل ایجاد ساختار توسط انسان در تاریخ، فرجامی واگرایانه و تبعیض‌آمیز را به‌همراه دارد (Mirzaeitabar, Sadeghi, & Hosseini, 2015)

۱. آرمان‌شهر (Utopia)

۲. طایفه‌گرایی به شیوه سنتی

3 Core

4 Periphery

۵. در تقسیم‌بندی مرکز - پیرامون، عواملی نظیر موقعیت جغرافیایی تیره‌ها و روستاها، میزان جمعیت، سابقه تاریخی در تحولات سیاسی ممسنی و میزان تأثیرگذاری

در انتخابات مورد توجه بوده است.

می‌کردند که دیگر نواحی پیرامونی متعلق به طایفه خود را مانند «پره‌هایی» که وابستگی هویتی و عرق تباری به مرکز داشتند را هدایت می‌کردند. این الگو از زمان فتح شولستان تا سرنگونی خوانین در زمان اجرای اصلاحات ارضی ادامه داشت. در این میان، برخی مراکز جغرافیایی (چرخ) هدایت‌کننده پیرامون (پره) که تا پیش از سقوط خوانین نقش برجسته‌ای در تحولات سیاسی - نظامی مسمنی داشته‌اند، امروزه به‌ویژه در هنگامه سیاسی انتخابات از نقش آن‌ها کاسته شد و دیگر مناطق عهده‌دار فعالیت در این عرصه شده‌اند. برای نمونه، در قلمرو جغرافیایی طایفه جاوید، روستای جویجان از توابع جاوید لَه‌له که پایگاه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاسی این طایفه بوده تا اندازه‌ای تغییر کرده و باشندگان جاوید از راه مهاجرت به مرکز شهر به ایفاء نقش در انتخابات می‌پردازند. همچنین روستاهای زودرنجی از منطقه جاوید مانند آب‌پخشان، مهرنجان، موری و دشت‌رزم اهمیت راهبردی و قدرت چانه‌زنی سیاسی بالایی در این زمینه دارند، به گونه‌ای که می‌توانند مسیر تحولات سیاسی حوزه انتخابیه را متحول کنند. در این باره، دوره هشتم انتخابات (مجلس) که رقابت اصلی میان علی احمدی از طایفه جاوید (نماینده وقت) و عبدالرضا مرادی از طایفه بکش بود، آن‌ها در روستای جویجان به ترتیب ۸۰۰ و ۶۹ رأی کسب کردند. از سوی دیگر، روستای آب‌پخشان (با احتساب روستای گاوپیازی) ضمن ۱۷۱۲ رأی به علی احمدی حمایت لُجستیک درخوری از وی در شُعب مستقر در سطح شهر کردند. این در حالی است که عبدالرضا مرادی فقط ۶۷ رأی در این روستا اخذ کرد. روستای مهرنجان وابسته به تیره سلاری طایفه جاوید معمولاً شکاف راهبردی با دیگر تیره‌های طایفه جاوید دارد، به طوری که گاه به معرفی نامزد مستقل می‌پردازد یا به کاندیدای دیگر طوایف نیز تمایل پیدا می‌کند. در این زمینه می‌توان به آراء علی احمدی، ایرج همتی (از روستای مهرنجان) و عبدالرضا مرادی در دوره هشتم انتخابات اشاره کرد که به ترتیب ۱۴، ۸۴۳ و ۳۴ رأی کسب کردند. این مسئله گویای شکنندگی جدی آراء علی احمدی در این روستاست که زمینه شکست وی در برابر عبدالرضا مرادی در این دوره از انتخابات شد. با وجود این، روستاهای موری و دشت‌رزم نقش مهمی در آراء علی احمدی ایفاء داشتند. علی احمدی در روستاهای یادشده به ترتیب ۱۱۹۸ و ۵۴۲ رأی اخذ کرد، اما عبدالرضا مرادی فقط ۲۸ رأی در مجموع این روستاها به دست آورد (Governorate of Mamssani, 2007)

نقش روستاهای یادشده به‌عنوان مناطق مرکزی طایفه جاوید در دوره نهم انتخابات نیز مشهود است. در این دوره هم‌اوردی اصلی میان نوذر شفیعی (طایفه بکش) و سعید قانیدی (طایفه جاوید) بود. این نامزدها در روستای جویجان به ترتیب ۰ و ۹۹۴ رأی کسب کردند. این پدیده گویای اهمیت ویژه جویجان است که در وضعیت کنونی نیز از عرق تباری زیادی برخوردار است و همانند قدیم خود را گرانیکاه مرکزی طایفه جاوید می‌پندارد. از طرف دیگر، روستای آب‌پخشان در این دوره فعال‌تر از همیشه ظاهر شد؛ چراکه نامزد طایفه جاوید از این روستا برخاسته بود. از این رو، آن‌ها نه تنها ۱۹۷۳ رأی (با احتساب روستای گاوپیازی) (Governorate of Mamssani, 2011) به صندوق کاندیدای خودی (سعید قانیدی) ریختند، بلکه به‌عنوان یک منطقه مرکزی توانستند در سطح شهر نورآباد خوش بدرخشند و حمایت لازم از هم زادگاهی‌های خود را به عمل آوردند. این مسئله، درگیری خیابانی آن‌ها با طوایف بکش و رستم را به همراه داشت (یافته‌های میدانی) که به کشمکش و کشته شدن یک نفر از طایفه رستم انجامید (Political - Security Birth Certificate, 2011) شایان‌ذکر است که نوذر شفیعی فقط ۱۱ رأی در این روستا اخذ کرد. در این دوره، روستای مهرنجان نامزدی معرفی نکرد و به همین دلیل ۵۳۷ رأی به سعید قانیدی و ۵۲ رأی به نوذر شفیعی دادند. در روستاهای موری و دشت‌رزم نیز سعید قانیدی به ترتیب ۱۳۰۰ و ۱۲۸۲ رأی و نوذر شفیعی نیز به ترتیب ۴۷ و ۵ رأی کسب کردند (Governorate of Mamssani, 2011). این مسئله نشان می‌دهد که سعید قانیدی توانسته است در روستاهای مهم موری و دشت‌رزم نسبت به رقیب بافاصله زیادی پیش‌تاز باشد.

درباره اهمیت و نقش نواحی مرکزی در دوره دهم انتخابات نیز باید اذعان داشت که در این دوره رقابت بین مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) بود که به دلیل عدم کسب حدنصاب آراء، به

مرحله دوم راه یافتند. شایان توجه است که جُویجان به‌عنوان کانون جغرافیایی - سیاسی سابق قلمرو جاوید به دلیل شکاف سنتی با طایفه بکش از یکسو و همچنین مسائل هویتی (پایگاه خویشاوندی)، سکونتگاه‌های روستایی مجاور خود نظیر دره پلنگی و عالی‌شاهی را تحت تأثیر قرارداد، به‌طوری‌که در دوره دهم انتخابات با ۷۶۴ رأی به مسعود گودرزی و ۳۶ رأی به عبدالرضا مرادی حمایت قاطعانه‌ای از مسعود گودرزی به عمل آوردند. همچنین نواحی نظیر روستای آب‌پخشان و گاوپیزی در مرحله دوم انتخابات از دوره دهم با مجموع ۱۱۳۷ رأی به مسعود گودرزی و ۲۹۸ رأی به عبدالرضا مرادی در پیروزی مسعود گودرزی نقش قابل توجهی ایفاء کردند. باوجوداین، روستای آب‌پخشان که در دوره هشتم و نهم انتخابات نقش بسیار مهم و بازیگر عمده به شمار می‌رفت، در مرحله اول و دوم از دوره دهم کمتر نقش آفرینی داشت، چراکه از یکسو نامزدی قدرتمند از قلمرو جغرافیایی خود یعنی طایفه جاوید نداشت و از سویی در پی کاهش تنش با طایفه رستم بود. این روستا (با احتساب روستای گاوپیزی) در جهت تنش‌زدایی و رفع کدورت با طایفه رستم و همچنین ابراز همدردی و تأثر^۱ در مرحله اول انتخابات، ۷۹۷ رأی خود را به نام مجید انصاری (از طایفه رستم) به صندوق رأی انداختند. در مهرنجان نیز مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۴۷۵ و ۲۱۶ رأی، در روستای مُورکی به ترتیب ۶۶۴ و ۲۲۲ رأی و در روستای دشت‌رزم به ترتیب ۹۹۵ و ۱۰۶ رأی در مرحله دوم اخذ کردند. در مجموع، این مناطق حساس در قلمرو جغرافیایی جاوید با ۴۰۳۵ رأی به مسعود گودرزی و ۸۷۸ رأی به عبدالرضا مرادی در مرحله دوم، اختلاف بسیاری زیادی میان آراء دو نامزد ایجاد کردند (Governorate of Mamssani, 2015, 2016)

در قلمرو جغرافیایی بکش، تیره‌هایی نظیر عمّله و بابرسالار تا پیش از سرنگونی خوانین به دلیل ستیز با یکدیگر یا با دیگر طوایف در جهت‌دهی به تحولات نقش تعیین‌کننده داشتند. امروزه افزون بر تیره‌های یادشده، تیره عالیوند^۲ نیز در معادلات اجتماعی و سیاسی شهرستان فعال است. وزن مکانی و انسجام درونی این تیره باعث شده تا بسیاری از نامزدهای انتخاباتی توجه خود را به این منطقه حساس جلب کند. در واقع، نامزدها با رایزنی و چانه‌زنی سیاسی با بزرگان و مُتنفذان محلی این تیره می‌کوشند برای خود جای پای باز کنند. به عبارتی، بازیگران انتخاباتی برای جذب بیشینه آراء سعی در ایجاد پایگاه و عمق استراتژیک در این منطقه را دارند. شایان‌ذکر است که موقعیت جغرافیایی تیره‌ها به‌ویژه روستاهای مُتعلق به آن‌ها نقش کلیدی در معادلات سیاسی شهرستان نظیر انتخابات دارد. در این زمینه می‌توان به سکونتگاه‌های زودرنجی نظیر محله تل‌گوه و روستای صالحی از تیره عمّله، روستای گچگران از تیره بابرسالار و روستای عالیوند از تیره عالیوند اشاره کرد که به دلیل موقعیت جغرافیایی و راهبردی مناسبی (نزدیکی به مرکز شهر) که دارند، ضمن ایجاد اتحاد در روستاهای متعلق به تیره خود، به رایزنی و لابی‌گری با دیگر تیره‌ها و طوایف جهت گسترش پایگاه رأی آوری نامزد انتخاباتی موردنظر خود می‌پردازند. بر این شالوده، در دوره هشتم انتخابات، در رقابت میان علی احمدی (طایفه جاوید) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش)، هر یک از آن‌ها در روستای صالحی به ترتیب ۹ و ۸۱۳ رأی کسب کردند. از سوی دیگر، روستای گچگران به‌عنوان منطقه مرکزی حائز اهمیت در این دوره بسیار فعال شد و ضمن تأثیرگذاری بر روستاهای پیرامون و شعب مستقر در سطح شهر، ۱۵۸۱ رأی (با احتساب روستای شهرک گچگران) به عبدالرضا مرادی دادند و زمینه موفقیت وی در این دوره شدند. این در حالی است که علی احمدی تنها موفق به اخذ ۳ رأی در این روستای راهبردی شد. نهایتاً، مجموعه روستاهای عالیوند در این دوره بیشترین میزان پشتیبانی از

۱. در انتخابات دوره نهم یکی از ساکنان طایفه رستم در روز انتخابات مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد (Political - Security Birth Certificate, ۲۰۱۱)

۲. تیره عالیوند در ابتدای استقرار ایل ممستی و در زمان میری‌خان به دلیل روابط سببی با خاندان زند قدرت بسیار زیادی داشت، ولی پس از به قدرت رسیدن ولی‌خان از قدرت‌شان کاسته شد.

عبدالرضا مرادی را به عمل آورد، به طوری که این نامزد توانست ۹۸۱ رأی در این مجموعه روستا به دست آورد اما علی احمدی تنها ۹۵ رأی کسب کرد (Governorate of Mamssani, 2007). این مناطق در دوره نهم انتخابات نقش خود رقابت اصلی میان نوذر شفیعی (طایفه بکش) و سعید قائدی (طایفه جاوید) از سر گرفتند. این نامزدها در محله تل گوه به ترتیب ۸۳۶ و ۴۳ رأی اخذ کردند که گویای حمایت جدی این محله زیستگاهی از نامزد منتسب به طایفه خود بوده است. در روستای صالحی نیز آنها به ترتیب ۷۹۵ و ۸۸ رأی به دست آوردند. از سوی دیگر، روستای گچگران مجدداً به عنوان یک منطقه هسته حضور فعالی در عرصه انتخابات داشت، به گونه‌ای که ضمن دادن ۱۶۵۸ رأی (با احتساب شهرک گچگران) به نوذر شفیعی بر مکان‌های پیرامونی تیره خود و شعب اخذی رأی در سطح شهر نورآباد تأثیر به‌سزایی گذاشتند. این در حالی است که سعید قائدی تنها موفق به اخذ ۲۷ رأی در این روستا شد. از این رو، پشتیبانی روستای گچگران از نوذر شفیعی از جمله عوامل بنیادی در پیروزی وی در انتخابات این دوره به شمار می‌رود. سرانجام، تیره عالیوند نیز بر میزان آراء نوذر شفیعی به‌طور چشمگیری افزود. نوذر شفیعی و سعید قائدی در مجموعه روستاهای عالیوند به ترتیب ۱۹۲۳ و ۶۴ رأی کسب کردند (Governorate of Mamssani, 2011).

درباره دوره دهم انتخابات نیز هرچند هر یک از مناطق مرکزی در انتخابات نقش آفرینی ویژه خود را داشته‌اند، اما به دلیل کثرت نامزدها در طایفه بکش نتوانستند در مرحله نخست انتخابات پشتیبانی کامل از نامزد منتسب به طایفه خود را به عمل آورند. به دیگر سخن، انسجام درونی این مناطق کاهش یافت، به طوری که تنش لفظی باشندگان این نواحی با یکدیگر رو به فزونی نهاد. با وجود این، در مرحله دوم انتخابات به دلیل فضای دوقطبی حاکم، یکپارچگی و اتحاد آنها افزایش یافت. در این مرحله مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به رقابت پرداختند و این نواحی نقش مهمی در افزایش پایگاه آراء عبدالرضا مرادی ایفاء کردند. بر این پایه، در محله تل گوه، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۱۲۴ و ۵۲۲ رأی و در روستای صالحی به ترتیب ۴۵ و ۴۸۰ رأی اخذ کردند. افزون بر این، تیره عمّله با حمایت از صندوق مستقر در محله تل قلی، توازن آراء بین نامزدها را برقرار کردند، به گونه‌ای که گودرزی و مرادی به ترتیب ۱۷۷ و ۱۵۳ رأی در این محله کسب کرده‌اند. این در حالی است که مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی در مرحله اول در محله تل قلی به ترتیب ۳۵۷ و ۱۵۷ رأی اخذ کرده بودند و بیشترین میزان آراء متعلق به مسعود گودرزی بود. از سوی دیگر، در روستای گچگران و شهرک گچگران، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۱۶۱ و ۱۵۰۹ رأی به دست آوردند. دیگر آنکه در صندوق آبفا در مرحله اول انتخابات، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۴۲۱ و ۱۲۹ رأی اخذ کرده بودند، اما در مرحله دوم به دلیل حمایت تیره بابر سالار از عبدالرضا مرادی، توازن آراء میان آنها تا اندازه‌ای برقرار شد، به گونه‌ای که گودرزی و مرادی به ترتیب ۲۹۴ و ۲۲۱ رأی کسب کردند (Governorate of Mamssani, 2015, 2016).

در مجموعه روستاهای تیره عالیوند، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۵۳۲ و ۶۴۳ رأی کسب کردند (همان) که توازن آراء در تیره عالیوند به دلیل مانور تبلیغاتی و بسیار هوشمند حامیان مسعود گودرزی از یکسو و شکاف در این تیره (به دلیل حضور نامزد منتسب به این تیره در مرحله اول انتخابات) از سوی دیگر صورت گرفت و همین مسئله پایگاه اصلی آراء عبدالرضا مرادی در یکی از مراکز بسیار مهم طایفه خود (بکش) را تضعیف کرد. این مسئله نشان می‌دهد که ساخت اجتماعی و روابط ساکنان طایفه بکش به گونه‌ای است که گسست و شکاف میان تیره‌ها می‌تواند زمینه شکست در سپهر سیاسی آنان باشد. در این باره، یکی از تیره‌های پُروزن طایفه بکش (بوان) که طی سالیان متمادی نقش منطقه‌ای پشتیبانی برای پیروزی این طایفه را ایفاء می‌کرد، ناگهان نامزد جدیدی (مسعود گودرزی) را مطرح کرد و ضمن شکاف در طایفه بکش، با دیگر طوایف (به‌ویژه طایفه جاوید) وارد ائتلاف شد و نامزد خود را با ۵۵۹۹۵ رأی در مرحله دوم انتخابات روانه مجلس کرد. در واقع،

وزن ژئوپلیتیک تیره بوان و نیروهای رأی‌دهنده پرهیجان آن‌ها در تحولات سیاسی ادوار پیشین مورد توجه گروه‌های ذی‌نفع طایفه بکش قرار نگرفت و همین امر زمینه ظهور جغرافیای بوان به‌عنوان یکی از کانون‌های سیاسی حوزه انتخابیه ممسنی و رستم شد که هم‌اکنون قطب جدید در جغرافیای سیاسی ممسنی به شمار می‌رود. این منطقه محلی و جغرافیایی ضمن اینکه زادگاه جغرافیایی مسعود گودرزی بود و پشتوانه حمایتی مهمی برای ایشان در کارزار انتخابات برای اخذ رأی در مرحله دوم انتخابات ایجاد کرده بود، دیگر مناطق و طوایف را نیز تحت‌الشعاع خود قرارداد و توانست در مرحله دوم انتخابات در تمام بخش‌های حوزه انتخابیه ممسنی و رستم رأی نخست را کسب کند (جدول ۱) (Governorate of Mamssani, 2015, 2016). این مسئله گویای نقش ویژه اجتماعی - سیاسی منطقه بوان در ادوار قبل انتخابات است که به دلیل نارضایتی از طایفه خود (بکش) و عدم تأمین مطالبات خویش از سوی نمایندگان، در چارچوب حمایت سیاسی از نامزد منتسب به تیره‌شان (مسعود گودرزی) ابراز وجود کردند.

جدول ۱- آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	مسعود گودرزی	بکش	۳۲۳۱۳	۱۷۳۳۹	۳۸۸۹	۲۴۵۴	۵۵۹۹۵
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	۲۲۹۵۰	۹۵۹۶	۱۷۵۵	۱۷۳۶	۳۶۰۳۷

منبع: (Governorate of Mamssani, 2015, 2016).

شایان‌ذکر است که در دوره هشتم انتخابات مجلس شورای اسلامی که رقابت جدی میان عبدالرضا مرادی (بکش) و علی احمدی (جاوید) وجود داشت، منطقه بوان با ۳۲۵ رأی به عبدالرضا مرادی و فعالیت تبلیغی ایشان در مناطق جغرافیایی نظیر محله اسکان عشایر و محله دوراهی نقش اساسی در پیروزی وی ایفاء کردند. باوجوداین، عدم اجابت خواسته‌ها و مطالبات منطقه زودرنج بوان از سوی طایفه بکش، زمینه تغییر مسیر بوان در زندگی سیاسی به‌ویژه انتخابات شد. ازاین‌رو، دوره نهم انتخابات، عصری جدید و تحولی شگرف در این عرصه به شمار می‌رود؛ چراکه منطقه بوان در رقابت میان دو کاندیدای قلمرو بکش یعنی نوذر شفیعی و قلمرو جاوید یعنی سعید قاندى با ۱۶۹ رأی به سعید قاندى و ۹۷ رأی به نوذر شفیعی و همچنین تأثیرگذاری بر منطقه اسکان عشایر (۱۳۰۲ رأی) به وی کمک کردند. درواقع، گسست جغرافیای بوان از جغرافیای بکش پس از پیروزی عبدالرضا مرادی و ضعف دستیابی به مطالبات خود در دوره هشتم (۱۳۸۶) به‌صورت نهفته آغاز شد و در دوره نهم (۱۳۹۰) با گرایش به کاندیدای طایفه جاوید نمایان شد. اما به دلیل شکست نامزد طایفه جاوید (سعید قاندى) و پیروزی مجدد طایفه بکش در انتخابات به نمایندگی نوذر شفیعی، دوره دهم (۱۳۹۴) را گامی مهم برای نمایان ساختن توانایی‌های خود پنداشتند. ازاین‌رو، ائتلاف با طایفه جاوید، سرمایه‌گذاری در مناطق برخوردار از آراء شناور (دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی) و همراهی مناطقی از طایفه بکش که آرای مُردد داشتند و از وضع موجود ناراضی بودند (نظیر تیره عالیوند)، در دستور کار بزرگان و متنفذان منطقه بوان قرار گرفت و همین امر زمینه پیروزی آنان شد.

نکته دیگر این است که مناطق پشتیبان و تصمیم‌گیر طایفه بکش به دلیل معرفی نامزد منتسب به تیره خود، شکاف درونی را عمیق‌تر کردند. به عبارتی، با ضعف مناطق مرکزی و حائز اهمیت در طایفه بکش (نظیر بابر سالار با حضور ساسان سالاری و عالیوند با حضور محسن غلامی) در مرحله اول انتخابات و نزدیکی مناطق لُجستیک دیگر طوایف به منطقه بوان و تبدیل خود بوان به سازه‌های اکولوژیک جدید در مقابل طایفه بکش، میان مناطق مرکز (چرخ) - پیرامونی (پره‌ها) بکش در مرحله دوم انتخابات شکاف گودی ایجاد شد و زمینه‌ساز ورود مسعود گودرزی به مجلس شورای اسلامی شد.

در قلمرو جغرافیایی طایفه رستم، سکونتگاه‌های روستایی نظیر نوگک و حسین‌آباد تا قبل از سقوط خوانین به ترتیب کانون‌های مهم تصمیم‌گیری نظامی - سیاسی بوده‌اند، اما پس از خلع خوانین این مراکز تا حدودی اهمیت و وزن مکانی خود را از دست دادند. در شرایط کنونی به‌ویژه در هنگامه انتخابات مناطقی همچون شهر مصیری، بابامیدان، کُوپُن و روستای مُراسخون و دهنو (مُقیم، مرکزی، سادات) از وزن محلی و سطح قدرت بالایی برخوردارند، به‌نحوی که می‌توانند در حکم سکوی پرتابی برای ورود نامزدها به مجلس باشند. در تائید این گفته می‌توان به ادوار مختلف انتخابات اشاره کرد. در دوره هشتم انتخابات، به‌رغم برخورداری طایفه رستم تنها از یک نامزد انتخاباتی (نوذر بناوی)، علی احمدی نماینده وقت و عبدالرضا مرادی دیگر نامزد این دوره بیشترین آراء را در این قلمرو اخذ کردند. در این زمینه می‌توان به عدم وجود نامزدی قدرتمند در طایفه رستم اشاره کرد که تمایل رأی‌دهندگان این طایفه را به نامزدهای دیگر طوایف سوق داد. بر این اساس، در مناطق مرکزی و حائز اهمیت طایفه رستم، توازن آراء میان سه نامزد مذکور برقرار شد، به‌طوری که عبدالرضا مرادی و علی احمدی نهایتاً توانستند به ترتیب با ۱۰۲۳۰ و ۸۳۲۱ رأی در این قلمرو کسب کنند. این در حالی است که نوذر بناوی ۷۶۹۶ رأی اخذ کرد و در طایفه خود جایگاه سوم را به دست آورد. در این راستا، علی احمدی، نوذر بناوی و عبدالرضا مرادی در شهر مصیری به ترتیب ۲۱۳۱، ۲۰۸۳ و ۹۵۲ رأی کسب کردند. در منطقه بابامیدان که میزان تعرفه زیادی دارد و فوق‌العاده حائز اهمیت است، این نامزدها به ترتیب ۵۴۳، ۲۹۶ و ۹۰۹ رأی به دست آوردند. همچنین هر یک از آنها در روستای کُوپُن به ترتیب ۲۰۵، ۳۰۵ و ۸۸۸ رأی کسب کردند. افزون بر این، در روستای مُراسخون نیز آنها به ترتیب ۱۹۹، ۳۱۱ و ۳۴۵ رأی را به خود اختصاص دادند. سرانجام، در مجموعه روستاهای دهنو هر یک از این نامزدها به ترتیب ۳۶۶، ۶۸۵ و ۹۹۰ رأی به دست آوردند. باید اذعان داشت که مجموع آراء هر یک از این نامزدها در مناطق مرکزی مذکور به ترتیب ۲۵۴۴، ۳۶۵۰ و ۴۰۸۴ رأی بوده است (Governorate of Mamssani, 2007) تحلیل و پردازش آراء مناطق مرکزی طایفه رستم نشان می‌دهد که نوذر بناوی تنها در شهر مصیری تاندازه‌ای توانسته است پایگاه رأی خود را تقویت کند، اما ضعف در دیگر مناطق مرکزی و ضعف همراهی آنها با وی زمینه شکست وی در قلمرو طایفه خود و نهایتاً انتخابات دوره هشتم شد. این در حالی است که عبدالرضا مرادی و علی احمدی توانستند با آراء مطلوب در این مناطق ضمن ایجاد شکاف در طایفه رستم به ترتیب جایگاه نخست و دوم را در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم اخذ کنند. بر این پایه، می‌توان به نقش بااهمیت مناطق مرکزی مذکور در طایفه رستم پی برد؛ زیرا عبدالرضا مرادی با کسب بیشترین آراء نسبت به رقبای خود در این مناطق توانست زمینه لازم به‌منظور پیروزی خود را فراهم آورد (جدول ۲)

(Governorate of Mamssani, 2007)

جدول ۲- آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	عبدالرضا مرادی	بکش	۳۴۲۹۸	۱۰۲۳۰	۳۹۹۶	۳۰۳۹	۵۱۵۶۳
۲	علی احمدی	جاوید	۲۲۹۱۰	۸۳۲۱	۳۱۶۳	۲۸۹۷	۳۷۲۹۱
۳	نوذر بناوی	رستم	۴۹۹	۷۶۹۶	۱۰۶	۲۷۳	۸۵۷۴

(Governorate of Mamssani, 2007)

در رابطه بااهمیت این مناطق در دوره دهم انتخابات نیز باید اشاره داشت که آمار مرحله نخست و دوم نشان می‌دهد که در مرحله اول انتخابات، مجید انصاری، سید یدالله حسینی و سید جعفر هاشمی (نامزدهای طایفه رستم) در پنج منطقه یادشده بیشترین آراء را به دست آوردند، اما نامزدهای دیگر طوایف، آراء بسیار ناچیزی (حتی صفر) در این مناطق اخذ کرده‌اند. سه

نامزد انتخاباتی مذکور در شهر مصیری به ترتیب ۹۸۴، ۲۱۰۹ و ۳۱۷۵ رأی، در بابامیدان به ترتیب ۵۱، ۲۱۸۲ و ۱۲۱ رأی، در کُوپن به ترتیب ۷۱۹، ۶۰ و ۴۲ رأی، در مُراسخون به ترتیب ۱۲۱۳، ۴ و ۰ رأی و نهایتاً در مجموعه سکونتگاه‌های روستایی دهنو به ترتیب ۲۱۵، ۶۶۲ و ۳۶ رأی کسب کرده‌اند (Governorate of Mamssani, 2015, 2016). به دلیل شکاف فرهنگی - اجتماعی میان مناطق مذکور و حضور سه نامزد از طایفه رستم در مرحله اول انتخابات به شکندگی مجموع آراء آنها انجامید. آمار و ارقام گویای این است که مجید انصاری به‌عنوان نفر سوم در مرحله اول انتخابات با مجموع ۱۹۴۹۲ رأی (بعد از مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی) علی‌رغم کسب آراء بسیار بالا در بخش سُورنای رستم (از جمله مناطق مهمی نظیر کُوپن و مُراسخون) نتوانست در بخش مرکزی رستم (که شامل سه منطقه مهم یعنی مصیری، بابامیدان و دهنو است) آراء قابل-توجهی اخذ کند و همین مسئله در راه نیافتن وی به مرحله دوم انتخابات نقش قابل‌توجهی داشته است. از سوی دیگر، سید یدالله حسینی و سید جعفر هاشمی که به ترتیب با ۱۳۹۷۶ و ۹۵۷۳ رأی نفرات چهارم و پنجم انتخابات در مرحله اول شدند، به دلیل عدم حمایت لازم از سوی بخش سُورنا به‌ویژه کُوپن و مُراسخون نتوانستند آراء لازم جهت پیروزی در انتخابات را کسب کنند (جدول ۳) (Governorate of Mamssani, 2015, 2016). از این رو، می‌توان به تضاد و تعارض میان مناطق حساس و مرکزی طایفه رستم اشاره کرد که نمی‌توانند با یکدیگر وارد ائتلاف شده و مناطق جغرافیایی پیرامونی را به‌خوبی سازمان‌دهی و بسیج کنند.

جدول ۳- آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله اول در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	طایفه	بخش مرکزی	بخش رستم	بخش دشمن-	بخش	جمع آراء
	(زیستگاه)	(زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	(زیستگاه طایفه رستم)	(زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	(زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	
۱	مسعود گودرزی	۲۰۰۸۲	۱۷۵۵	۳۰۵۴	۱۴۷۰	۲۶۳۶۱
۲	عبدالرضا مرادی	۱۶۴۴۷	۲۵۴۵	۱۷۱۰	۱۶۹۳	۲۲۳۹۵
۳	مجید انصاری	۵۰۱۹	۱۳۸۸۳	۴۰۹	۱۸۱	۱۹۴۹۲
۴	سید یدالله حسینی	۲۷۹۹	۱۰۴۴۷	۴۰۳	۳۲۷	۱۳۹۷۶
۵	سید جعفر هاشمی	۳۰۶۴	۶۲۲۷	۷۵	۲۰۷	۹۵۷۳

(Governorate of Mamssani, 2015, 2016)

در مرحله دوم انتخابات در شهر مصیری و محله‌های مختلف آن، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی نامزدهای راه‌یافته به مرحله دوم انتخابات به ترتیب ۲۷۶۶ و ۱۷۲۸ رأی کسب کرده‌اند. در مجموعه روستاهای بابامیدان، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۹۹۴ و ۵۹۱ رأی اخذ کرده‌اند. در مجموعه روستاهای کُوپن، گودرزی و مرادی به ترتیب ۵۱۷ و ۵۲۴ رأی اخذ کرده‌اند. در روستای دهنو سادات، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۳۵۰ و ۱۶۹ رأی، در روستای دهنو مقیمی، به ترتیب ۴۹۳ و ۲۰۶ رأی و در روستای دهنو مرکزی، به ترتیب ۲۸۷ و ۲۸۲ رأی کسب کرده‌اند. این مسئله بیانگر اهمیت ویژه مجموعه روستاهای دهنو است که با مجموع ۱۱۳۰ رأی در مقابل ۶۷۵ رأی برتری مسعود گودرزی بر عبدالرضا مرادی در مرحله دوم انتخابات را رقم‌زده‌اند. یک جمع‌بندی از مناطق حائز اهمیت مذکور در قلمرو جغرافیایی طایفه رستم نشان می‌دهد

که مسعود گودرزی ۵۴۱۷ رأی و عبدالرضا مرادی ۳۵۱۸ رأی کسب کرده و همین مسئله در پیروزی نهایی مسعود گودرزی در انتخابات نقش مهمی داشته است (Governorate of Mamssani, 2015, 2016). از سوی دیگر، می‌توان به قلمرو دشمن‌زیاری اشاره کرد که نواحی جغرافیایی نظیر روستاهای مَشایخ و کُلاه‌سیاه در تعیین سرنوشت سیاسی و تأثیرگذاری بر سایر روستاهای متعلق به این طایفه نقش آفرینی زیادی دارند، لکن به دلیل کمی جمعیت، توان معرفی نامزد به عرصه انتخابات را ندارد. دور نهم انتخابات، نوذر شفیعی و سعید قائدی به ترتیب در این روستاها، ۱۰۲ و ۴۳۹ رأی و ۱۲۳ و ۱۵۴ رأی اخذ کردند (Governorate of Mamssani, 2011) و همین‌طور گودرزی و مرادی در مرحله دوم انتخابات مجلس دهم در روستای مَشایخ به ترتیب ۱۲۴ و ۷۹ رأی، در کُلاه سیاه به ترتیب ۳۰۵ و ۳۱۶ رأی کسب کردند (Governorate of Mamssani, 2015, 2016).

آمار نشان می‌دهد که مسعود گودرزی توانسته است از طریق سرمایه‌گذاری سیاسی بیشتر در روستای مَشایخ از یکسو و توازن آراء در روستای مَشایخ گام مهمی جهت پیروزی خود بردارد.

به‌رغم تأثیرگذاری پایین قلمرو جغرافیایی تُرک‌نشین ماهور میلّتی در انتخابات، مناطقی نظیر شهر بابامنیر (مرکز ماهور) و شهر خومه‌زار^۱ که قرابت هویتی (تُرک‌زبان) با آنها دارند، از اهمیت قابل توجهی برخوردار هستند. دور نهم انتخابات، نوذر شفیعی و سعید قائدی در شهر بابامنیر به ترتیب ۵۶۰ و ۱۴۱ رأی و شهر خومه‌زار به ترتیب ۱۳۷۲ و ۱۵۳ رأی اخذ کردند^۲ (Governorate of Mamssani, 2011). در این زمینه باید تبیین کرد که در مرحله دوم دوره دهم انتخابات، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی در شهر بابامنیر به ترتیب ۳۲۶ و ۳۳۹ رأی کسب کردند که گویای توازن آراء میان نامزدها و تبلیغات فراوان آنها در این شهر است. باوجوداین، در شهر خومه‌زار به دلیل اسکان بخشی از مردم تیره بَوان در این شهر، حضور پُرشمار آنها در انتخابات و تأثیرگذاری بر ترک‌زبانان توانستند آراء مسعود گودرزی را به میزان زیادی افزایش دهند. بر بنیاد آمار، گودرزی و مرادی در مرحله دوم انتخابات در این منطقه، به ترتیب ۲۰۵۶ و ۶۳۸ رأی اخذ کردند. این در حالی است که در انتخابات دوره هشتم، عبدالرضا مرادی به دلیل رقابت با کاندیدای قلمرو جاوید یعنی علی احمدی و همراهی ترک‌زبانان شهر خومه‌زار و حمایت مردم بَوان از وی در این شهر توانسته بود ۲۸۱۴ رأی کسب کند، اما علی احمدی تنها موفق به اخذ ۳۳۱ رأی در این شهر مهم شد (Governorate of Mamssani, 2007, 2015, 2016).

در بین مراکز مهم باید به منطقه فَهلیان و جَنجان اشاره کرد که از زمان فتح قلمرو جغرافیایی شولستان تا سرنوختی حاکمیت خوانین در این فضای جغرافیایی، مرکز شهر به شمار می‌رفته و سابقه فرهنگ کُهن دارد. منطقه مهمی نظیر بَرَدنگان^۳ نیز در حوزه انتخابیه ممسنی اهمیت قابل توجهی دارد، زیرا به لحاظ جغرافیایی پیوستگی سرزمینی قلمرو بکش است، اما از نظر هویتی، کیستی‌ای رُستمی دارد و قرابت گُوهری با این طایفه دارد. در این زمینه به دوره نهم و دهم انتخابات اشاره می‌شود. در دوره نهم، نوذر شفیعی (از طایفه بکش) و مجید انصاری (از طایفه رستم) در مجموعه روستاهای بَرَدنگان به ترتیب ۱۳۸۴ و ۵۸۲ رأی کسب کردند، لکن دیگر نامزدهای انتخاباتی آراء درخور توجهی به دست نیاوردند. در مرحله اول انتخابات دوره دهم نیز به‌رغم کثرت نامزدها (۱۲ نفر)، عبدالرضا مرادی (از طایفه بکش) و مجید انصاری (از طایفه رستم) به ترتیب ۳۵۸ و ۴۴۴ رأی

۱. شهر خومه‌زار در تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵ در دهستان بکش یک قرار گرفته است ولی به دلیل نژاد و زبان ترکی با بخش ماهور میلّتی قرابت بیشتری دارند (Statistical Center of Iran, ۲۰۰۶) شایان ذکر است که در شهر خومه‌زار تلفیقی از تیره‌ها و طوایف مختلف همانند تُرک، بابرسالار و بَوان سکنی گزیده‌اند.

۲. از آنجایی که نوذر شفیعی پیوستگی و پیوند نسبی (خویشاندی از طرف مادر) با بخش تُرک‌تبار ماهور میلّتی دارد، از این رو، مردم این بخش خویشاوندی و قرابت بیشتری احساس می‌کردند و بالاترین رأی (۵۰۴۸) را نسبت به کاندیدای دیگر طوایف به ایشان دادند.

۳. طبق تقسیمات کشوری منطقه جنجان در دهستان فَهلیان و منطقه بَرَدنگان در دهستان بکش ۲ قرار گرفته‌اند. این مناطق که هر کدام مُتشکل از چندین روستا هستند، در ادوار مختلف انتخابات نقش مهمی ایفاء کرده‌اند. در این زمینه، مرحله دوم انتخابات مجلس دهم جهت نمایان ساختن کارویژه آنها از طریق آمار و ارقام مربوط به آراء نامزدهای انتخاباتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

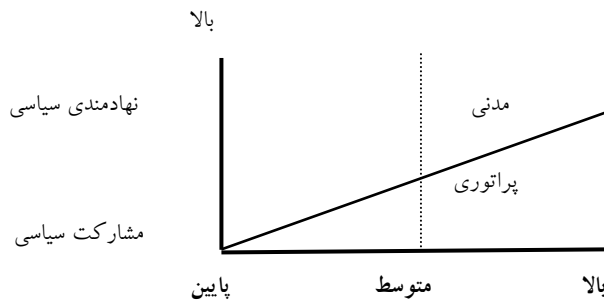
اخذ کردند. در این مرحله مسعود گودرزی و نوذر شفیعی نیز که از طایفه بکش هستند، به ترتیب ۳۹۲ و ۳۱۸ رأی به دست آوردند (Governorate of Mamssani, 2011, 2015, 2016). شایان دقت است که در دوره هشتم انتخابات، «زیستگاه جغرافیایی» بیشتر مورد توجه رأی‌دهندگان بردنگان بوده است تا قرابت «هویتی و دودمانی». به این معنا که آن‌ها به نامزدهای طایفه بکش و حتی جاوید آراء بیشتری دادند که مهم‌ترین دلیل آن ضعف توانمندی کاندیدای طایفه خود یعنی نوذر بناوی از یکسو و پایگاه اجتماعی قوی نامزدهایی همچون عبدالرضا مرادی (بکش) و علی احمدی (جاوید) بوده است. در این راستا، هر یک از این نامزدها به ترتیب ۳۸، ۸۷۳ و ۳۵۱ رأی در این منطقه مهم کسب کردند (Governorate of Mamssani, 2007) آمار نشان می‌دهد که عبدالرضا مرادی با سرمایه‌گذاری بیشتر در منطقه حائز اهمیت بردنگان توانست فاصله خود با رقبا را به میزان زیادی افزایش دهد.

درباره اهمیت و نقش مناطق فلهیان و جنجان بایستی اشاره داشت که در دوره هشتم انتخابات مجلس و در رقابت بین عبدالرضا مرادی و علی احمدی هر یک از آن‌ها توانستند در فلهیان (با احتساب روستای پُل فلهیان) به ترتیب ۱۸۵۱ و ۴۶۷ رأی کسب نمایند. در جنجان (مجموعه روستاها) نیز آن‌ها به ترتیب ۶۰۸ و ۱۸۷ رأی به دست آوردند (همان) بر این اساس، می‌توان گفت که این مناطق در پیروزی عبدالرضا مرادی در دوره هشتم نقش استواری داشته‌اند. از سوی دیگر، در دوره نهم که رقابت حساسی میان نوذر شفیعی و سعید قانلی در جریان بود، هر یک از آن‌ها توانستند در فلهیان (با احتساب پُل فلهیان) به ترتیب ۷۹۱ و ۲۰۷ رأی اخذ کنند. در جنجان (مجموعه روستاها) نیز هر یک از این نامزدها به ترتیب ۸۴۰ و ۸۹ رأی به دست آوردند (Governorate of Mamssani, 2011). بر این بنیاد، حمایت حداکثری مناطق فلهیان و جنجان در پیروزی نوذر شفیعی در این دوره بسیار کارآمد بوده است. در رابطه با دوره دهم انتخابات می‌توان گفت که با ورود مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به مرحله دوم بر میزان حساسیت در مناطق مرکزی افزوده شد. از این رو، هر یک از این نامزدها در فلهیان (با احتساب پُل فلهیان و قلعه‌گر) به ترتیب ۱۲۹۶ و ۹۲۱ رأی، در جنجان (مجموعه روستاها) به ترتیب ۴۸۲ و ۴۰۱ رأی، در بردنگان (مجموعه روستاها) به ترتیب ۸۲۳ و ۶۰۱ رأی کسب کردند (Governorate of Mamssani, 2015, 2016) شایان توجه است که مناطق سه‌گانه مذکور را نمی‌توان در چارچوب پشتوانه ثابت نامزدها و تحت عنوان مناطق مرکز-پیرامونی گماشت؛ چراکه این مناطق از منظر جغرافیایی و هویتی تعلق خاطر عمیقی به طوایف و تیره‌های متعلق به آنان را ندارند و در ادوار مختلف انتخابات نشان داده‌اند که از نامزدهای متفاوتی حمایت و پشتیبانی کرده‌اند.

مدل مرکز-پیرامون، شکل‌گیری جامعه پراتوری و تثبیت طایفه‌گرایی

طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم و کارکرد مناطق مرکز - پیرامون صرفاً معطوف به عصر حاضر و شرایط انتخابات نیست بلکه بر بنیاد تاریخ تحولات ممسنی نظیر فتح شولستان توسط انسان ممسنی، تقسیم قلمرو و جنگ‌های درون طایفه‌ای می‌توان گفت، گرایش‌های طایفه‌ای به شکل سنتی در قالب حملات نظامی به قلمرو یکدیگر تا زمان سقوط خوانین وجود داشته و این عرق تباری و تمایلات خویشاوندی بعد از سقوط خوانین از طریق بزرگان و موی‌سپیدان به فرزندان منتقل گردیده که هم‌اکنون به شیوه نوین در ممسنی (به‌ویژه سپهر سیاسی) بازتاب یافته است. در این راستا، جامعه پراتوری (مشارکت بالا و نهادمندی سیاسی پایین) بیش‌ازپیش نمایان شده است، زیرا مناطق مرکز - پیرامون با ایفاء نقش در سیاست مدرن ممسنی نیز نهادمندی سیاسی در رفتار نخبگان، توده و نیروهای اجتماعی را کاهش داده‌اند. در واقع، نیروهای اجتماعی به‌طور مستقیم و با شیوه خودشان در عرصه سیاسی نظیر انتخابات شرکت می‌کنند. این مسئله همراهی نیروهای اجتماعی با بسیج توده از سوی مناطق مرکزی را به همراه دارد که بدون تربیت سیاسی و تعدیل خواسته‌هایشان به طایفه‌گرایی در انتخابات می-

پردازند. بنابراین، روش‌های مشروع و معتبر موردنظر شرکت‌کنندگان در انتخابات وجود ندارد بلکه اطاعت فرامین و اجابت دستور از مراکز جغرافیایی که به آن تعلق خاطر دارند، بن‌مایه رفتار سیاسی و انتخاباتی‌شان را شکل می‌دهد.



شکل ۴- جامعه پراتوری و جامعه مدنی

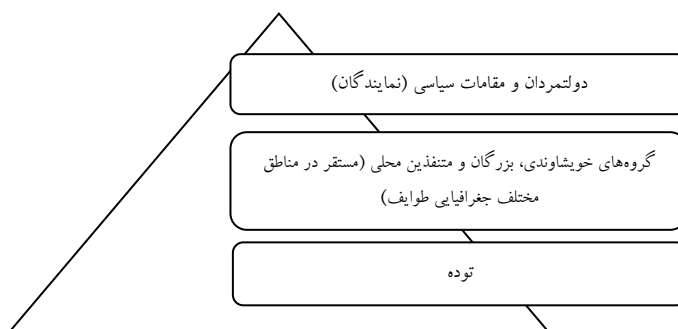
(نیاکوئی، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

بر اساس شکل ۴، در شهرستان ممسنی فرهنگ سیاسی مستقر و نقش‌آفرینی مراکز حساس جغرافیایی به گونه‌ای است که در انتخابات، مشارکت حداکثری و نهادمندی سیاسی حداقلی، شکل‌گیری تام جامعه پراتوری را به همراه دارد. قوی‌ترین برآیند این مسئله کارآمدی روابط عاطفی در مقابل روابط رسمی، روابط خاص‌گرایانه در برابر عام‌گرایانه، منافع فردی در مقابل منافع جمعی، روابط مبتنی بر نسب‌گرایی در برابر شایسته‌سالاری و روابط مبتنی بر درهم‌نگری در مقابل ویژه‌نگری است. این مسائل نشان می‌دهد که در ممسنی، نهادهای مدنی به‌عنوان لایه میانی و تأثیرگذار در روابط دولتمردان و مقامات سیاسی با توده مردم به دلیل نقش‌آفرینی مناطق مرکز - پیرامونی و تثبیت شاخصه‌های جامعه پراتوری، از کارایی چندانی برخوردار نیستند. همچنین، این مسائل نمایانگر شکاف میان اصحاب قدرت و توده در ممسنی است که به‌جای وجود لایه‌های میانی نظیر احزاب، جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی، انجمن‌های صنفی و سندیکا، گروه‌هایی نظیر بزرگان و کهن‌سالان طوایف، خویشاوندان و متنفذین محلی در مراکز مختلف جغرافیایی طوایف به ایفاء نقش پرداخته و خود را به‌عنوان عناصر اجابت مطالبات شهروندان مطرح ساخته‌اند. به‌علاوه، فقدان نهادهای مدنی و سازوکارهای حزبی و انجمن‌های صنفی در ممسنی ضمن اینکه در روند فعالیت بخش‌های فرهنگی شهرستان نیز مانع ایجاد کرده^۱، از نهادینگی بروکراسی و حرکت در چارچوب ضوابط رسمی واداری آن را بازداشته است و افزایش نفوذ گروه‌های غیررسمی در امورات اجتماعی و سیاسی شهرستان را به همراه داشته است، به‌نحوی که در شرایط حساس سیاسی و اجتماعی این گروه‌ها به طلایه‌داران و پرچم‌داران فعال تبدیل شده و توده مردم نیز دسترسی به مطالباتشان را از طریق نزدیکی و وابستگی به آن‌ها دنبال می‌کنند. ازجمله مصادیق بارز این خط‌مشی و الگوی رفتاری را می‌توان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات شهر و روستا، دهیاری (عرصه سیاسی) و حوادث پیرامون صندوق قرض‌الحسنه ذوالفقار علی^۲ (عرصه اجتماعی) رؤیت کرد که به دلیل فقدان نهادها و سازمان‌های واسطه‌ای از یک‌طرف و جریان‌ها، تشکل‌های سیاسی و انجمن‌های صنفی از طرف دیگر، گروه‌های غیررسمی در مناطق مختلف جغرافیایی شهرستان به حافظ منافع ساکنان تبدیل شده‌اند و بر بنیاد تصمیمات عاطفی و غیرعقلانی زمینه‌بهران‌های اجتماعی و سیاسی در شهرستان شده‌اند. این در حالی است که از طریق ایجاد آگاهی در اذهان توده و برنامه‌ریزی مدیران می‌توان شرایط و فضای لازم برای فعالیت جریان‌های سیاسی و انجمن‌های صنفی در جهت پوشش لایه میانی را فراهم ساخت و با پیگیری مطالبات از طریق این نهادها ضمن

۱. وابستگی به علقه‌های سنتی در میان تصمیم‌سازان فرهنگی، نه تنها فرآیند نهادمندی لازم در شهرستان را کند نموده بلکه زمینه فعالیت و ابراز وجود گروه‌های غیررسمی در بخش‌های مختلف جغرافیایی را بیش از پیش فراهم ساخته است.

۲. این صندوق (۱۳۸۲) با ماهیت اعطای وام به ساکنان ممسنی تأسیس شد که در ادامه فعالیت‌های خود به دلایل سیاسی و اقتصادی منجر به درگیری و خشونت (معروف به سه‌شنبه سیاه) و ورشکستگی صندوق گردید (Dehghan Naserabadi, ۲۰۰۶).

جلوگیری از وقوع چالش‌های عملیاتی^۱، گام مهمی به سوی توسعه شهرستان برداشت. در مدل شماره ۱ می‌توان سه لایه را در بستر جامعه ممسنی مشاهده کرد که هر یک از آنها در تثبیت جامعه پراتوری و تشدید طایفه‌گرایی نقش مُختص به خود رادارند. با وجود این، لایه میانی به دلیل جایگزینی با نهادهای مدنی و برخورداری از مشروعیت لازم از ظرفیت و توان بالایی برای جهت‌دهی به مسائل سیاسی و اجتماعی ممسنی برخوردار است، به طوری که امکان مقابله با آنها و خنثی‌سازی فعالیت‌هایشان به آسانی میسر نیست.



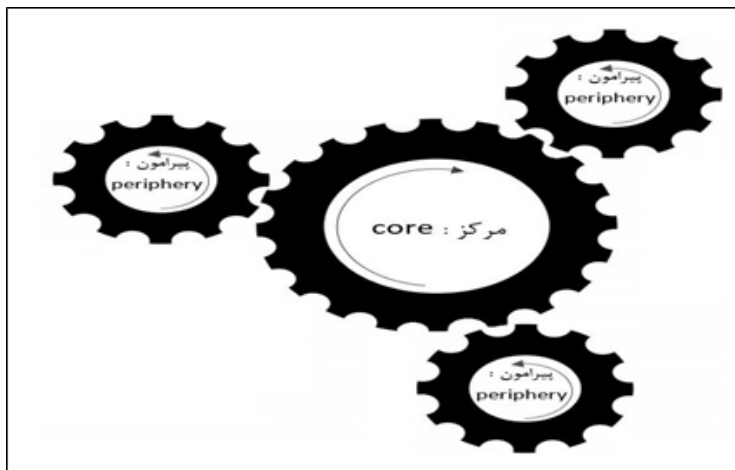
شکل ۵- لایه‌های سیاسی و اجتماعی در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که وابستگی و تعلق خاطر باشندگان ممسنی به زادگاه و زیستگاه جغرافیایی خود سابقه‌ای دیرینه دارد. مکان‌ها و فضاهایی جغرافیایی در ممسنی وجود دارند که قبل از سقوط خوانین نقش مهمی در افزایش قدرت آنها ایفاء کرده‌اند. در واقع، نواحی از یک طایفه تحت عنوان پایگاه سیاسی و نظامی محسوب می‌شده که در مواقع بسیار مهم نظیر ائتلاف با دیگران یا جنگ‌های ارضی و مرزی توانایی هدایت و بسیج دیگر مناطق متعلق به طایفه را داشته است. با سقوط حاکمیت خوانین و تضعیف مواضع آنها، توده توانستند در امور زندگی اجتماعی و سیاسی خود مستقل شوند و از نظر اقتصادی نیز از املاک و دارایی برخوردار شوند. با وجود این، نگرش سنتی توده از نسل قدیم به نسل جدید انتقال یافت و انسان جدید ممسنی در چارچوب زندگی مدرن عقاید سنتی و عشیره‌ای خود را حفظ کرده است. در این میان، انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان فرصتی مناسب برای ابراز وجود توده قلمداد می‌شود تا بتوانند بر بنیاد مؤلفه‌های محیطی و هویتی ضمن برتری خود بر دیگری، منافع موردنظر را کسب کنند. در اجرای این هدف، مناطق جغرافیایی مجدداً کار ویژه سنتی خود را به شکل مدرن باز ساخت کردند و مناطق مرکز - پیرامون در زمان خوانین، اکنون حمایت مادی و معنوی خود را به نامزدهای قلمرو خود به شیوه نوین بازتولید کرده‌اند و بر هیجانات توده بیش‌ازپیش افزوده‌اند. این مناطق ضمن برگزاری رشته نشست‌ها، مشارکت توده در انتخابات را افزایش داده‌اند و زمینه شکل‌گیری جامعه پراتوری و تشدید طایفه‌گرایی شده‌اند. افزون بر این، فضاها و مکان‌های مرکزی هر طایفه به تحریک نواحی پیرامونی جهت حضور پُرشور و حمایت همه‌جانبه از نامزد موردنظرشان پرداخته و آنها را به حمایت لجستیک ترغیب ساخته‌اند، به طوری که مناطق مرکزی صرفاً در شُعب اخذ رأی مربوط به خود فعالیت نمی‌کنند بلکه با ساماندهی و آمایش مناطق پیرامونی به دنبال برقراری توازن آراء در سایر شعب اخذ رأی به‌ویژه مرکز شهر بوده‌اند. این مسئله صرفاً مشارکت هیجانی و رویارویی مستقیم توده با یکدیگر را به همراه داشته که به دلیل تحریک نیروهای اجتماعی و منتفدان محلی مستقر در مراکز جغرافیایی، نهادمندی سیاسی را کاهش داده و جامعه پراتوری و گرایش‌های طایفه‌ای را تقویت کرده است. این مسئله بیانگر این است که مراکز به‌مثابه «چرخ‌هایی» عمل کرده‌اند که پیرامون را بر بنیاد عرق تباری و

۱. منظور از چالش‌های عملیاتی، تنش‌ها، کشمکش‌ها و آردوکشی‌های خیابانی طوایف است که در زمان انتخابات مجلس نمود عملی پیدا می‌کند.

زادگاهی مانند «پره‌هایی» ساماندهی و بسیج کرده‌اند. همچنین باید گفت که نقش آفرینی مناطق مرکزی صرفاً محدود به دوره-ای خاص از انتخابات نیست بلکه آن‌ها در ادوار مختلف نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به تحولات و معادلات انتخاباتی و بسیج مناطق پیرامونی دارند. باوجوداین، نارضایتی از وضع موجود و شرایط حاکم بر هر دوره ممکن است مناطق مرکزی را نسبت به وضعیت تیره و طایفه خود بی‌تفاوت ساخته یا به‌سوی حمایت از دیگر طوایف سوق دهد. درواقع، سلسله‌مراتبی نبودن روابط در دوران یک طایفه در انتخابات (برخلاف عهد قدیم) گسست از عشیره را ممکن ساخته است. عدم پیگیری مطالبات از سوی اصحاب قدرت و نمایندگان ممکن است حمایت مناطق مرکزی و پیرامونی از آن‌ها را تضعیف کند. گسست و جدایی سیاسی تیره یوان از قلمرو طایفه بکش در دوره نهم و دهم به دلیل ضعف پذیرش مطالبات آن‌ها، گرایش روستای زودرنج آب‌پیشان از طایفه جاوید به نامزد طایفه رستم در دوره دهم انتخابات جهت صلح‌گرایی و رفع دل‌چرکینی، وفاداری مجدد روستای گچگران از عبدالرضا مرادی نامزد طایفه خود (به دلیل ارائه خدمات اقتصادی و سیاسی به آن‌ها در زمان نمایندگی دوره هشتم مجلس شورای اسلامی) و عدم پشتیبانی آن‌ها از نوذر شفیعی در دوره دهم انتخابات (به دلیل بی‌تفاوتی و عدم حضور فعال وی در این روستا)، معرفی نامزد مستقل از سوی تیره مِه‌رنجان (محمد محمودی) در دوره دهم انتخابات، گرایش روستای حساس عالیوند به منطقه جغرافیایی یوان در مرحله دوم از دوره دهم انتخابات همگی بیانگر فضای حاکم بر هر دوره از انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی است که ممکن است حتی در مناطق مرکزی طوایف دگردیسی‌هایی ایجاد کند و پایگاه آراء نامزدها را تقویت یا تضعیف سازد. یافته‌های پژوهش نشان داد که برخی از مناطق شهری و روستاهای پُروزن و برخوردار از نفوذ بالا در حوزه جغرافیایی طوایف مختلف ممسنی (به‌عنوان مرکز) الگوی رفتاری ساکنان سایر مناطق تحت کنترل طوایف مربوط به خود (به‌عنوان پیرامون)، به‌ویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی را تحت‌الشعاع قرار داده و زمینه شکل‌گیری رفتار هیجانی، احساسی و زورآزمایی خیابانی در چارچوب جامعه پراتوری و نهایتاً طایفه‌گرایی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی شده است.



شکل ۶- مرکز (چرخ) و پیرامون (پره)

سهم نویسندگان: مراد کاویانی راد (نویسنده اول، مسئول پژوهشگر اصلی (۵۰٪)، سید محمدحسین حسینی (نویسنده دوم) نگارنده بحث (۲۵٪)، وحید صادقی (نویسنده سوم) نگارنده بحث (۲۵٪).

منابع و مآخذ

- Ahmadipour, Z., & Karimi, M. (2013). *Pathology of election in Iran, case study: Islamic consultative assembly election*. Paper presented at the National Conference Geography of Election, Tehran. (Persian)
- Bashirie, H. (2001). *Democracy lessons for everyone*. Tehran: Negahe Moaser. (Persian)
- Bashirie, H. (2011). *The history of Marxist ideas*, . Tehran: Ney. (Persian)

- Dadashpour, H., Alizadeh, B., & Madani, B. (2011). Review and analysis of development trends and spatial disparities in the West Azerbaijan province. *Social Sciences Quarterly*, 18(53), 173-208. [DOI:10.22054/QJSS.2011.6830]. (Persian)
- Dehghan Naserabadi, E. (2006). *The story and secrets of the Sandogh Zoalfaghar*. Shiraz: Kooshamehr.
- Delavari, A. (2008). *The study of the roots of violence and political instability in Iran*. (PhD Thesis), University of Tehran. (Persian)
- Deputy of Planning and Employment of Fars Province. (2014). Statistical Yearbook of Mamassani County 2011-2012. *Office of Statistics and Information*, 21, 1-63. (Persian)
- Eghtedari, A. (1996). *Khouzestan and Kohgiloie and Mamassani*. Tehran: Ayat Cultural Institution Publication. (Persian)
- Estes, T. (2006). Where the votes are: The electoral geography of the coming democratic majority. *The Forum*, 3(4), 1-39. [DOI:10.2202/1540-8884.1085]
- Governorate of Mamssani. (2007). Report of the outcome of the eighth islamic parliamentary election in the Mamasani constituency. (Persian)
- Governorate of Mamssani. (2011). Report of the outcome of the ninth islamic parliamentary election in the Mamasani constituency. (Persian)
- Governorate of Mamssani. (2015, 2016). Report of the outcome of the eighth islamic parliamentary election in the Mamasani constituency. (Persian)
- Hafeznia, M. R., & Kaviani Rad, M. (2014). *Philosophy of political geography*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (Persian)
- Heywood, A. (2016). *Politics* (A. Alem, Trans.). Tehran: Ney Publication. (Persian)
- Huntington, S. (1991). *The political system in the societies undergoes transformation* (M. Salasi, Trans.). Tehran: Elm Publication. (Persian)
- Jaafarinejad, M., Babanasab, H., & Shahriar Rabiei, S. (2011). Analysis of the voting behaviour (case study: The tenth presidential elections in Haris election constituency). *Political International Researches*, 3(7), 159-208. (Persian)
- Jones, M. (2007). *An introduction to political geography: space, place and politics* (Z. Pishgahifard & R. Akbari, Trans.). Tehran: University of Tehran. (Persian)
- Kaviani Rad, M. (2013). *Election geography, with emphasis on presidential elections*. Tehran: Kharazmi Publications. (Persian)
- Kaviani Rad, M., & Gharahbeygi, M. (2017). *Election geography, foundations, concepts, methods*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (Persian)
- Mirzaeitabar, M., Sadeghi, V., & Hosseini, M. H. (2015). Explaining the relationship between political culture and economic development; Case study: Mamasani township. *Political Science Quarterly*, 11(22), 169-208. (Persian)
- Niakoui, A. (2014). Sociology of political disputes in Iran. *Political Science Journal*, 10(1), 199-230. (Persian)
- Patti, C. (2006). Electoral geography for: Encyclopedia of human geography.
- Political - Security Birth Certificate. (2011). Governorate of Nourabad Mamassani County. (Persian)
- Rahnavard, F., & Mahdavi-rad, N. (2010). *Management of election*. Tehran: Etelaat. (Persian)
- Rumina, E., & Sadeghi, V. (2015). Investigating the effect of tribalism on the voting pattern (case study: Mamsani county). *Geopolitical Quarterly*, 11(3), 84-116. (Persian)
- Saedi, A. (2011). *The principle of rural geography*. Tehran: Samt. (Persian)
- Statistical Center of Iran. (2006). Statistical Yearbook, National and provincial divisions. Retrieved from <https://www.amar.org.ir>. (Persian)
- Statistical Center of Iran. (2011). Statistical Yearbook of Fars Province, Population statistics related to county of Fars province. Retrieved from <http://stat.roostanet.com/details.php?id=1196>. (Persian)
- Veisi, H. (2016). *Concepts and theories of political geography*. Tehran: Samt. (Persian)